

خیانت در امانت در قانون ایران

ماده ۲۴۱ از قانون مجازات عمومی می گوید (هرگاه اموال و اسباب یا نقود یا اجناس و ائمه یا بلیط های بانك یا نوشجاتی از قبیل تمسك و قبض و غیره به عنوان اجاره یا امانت یا رهن و یا آنكه برای وكالت یا هر كار با اجرت یا بی اجرت بکس داده شده و بنا بر این بوده كه اشیاء مذكوره مسترد شود یا بمصرف معینی برسد و شخصی كه آن اشیاء نزد او بوده آنها را بر ضرر مالكین یا متصرفین آنها تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال نماید بحبس تأدیبی از ششماه تا سه سال محكوم خواهد شد و ممكن است بتأدیه غرامت از پنجاه الهی بانصد تومان نیز محكوم شود)

قبل از شروع بتعریف جرم خیانت در امانت و تعیین عناصر و ارکان اساسی آن باید دانست كه بین سرقت و كلاه برداری و خیانت در امانت جامع مشتركی وجود است كه عبارت باشد از بردن مال منقول غیر - و برای تفكیک هر يك از جرائم مزبوره فصلی نیز موجود است كه هر يك را از دیگری جدا میکند .

مثلاً سرقت بتحقیق پیدا نمیکند مگر بر بردن مال از مالك یا متصرف آن - جرم خیانت در امانت واقع نمی شود مگر بتسلیم مال بدست امین بموجب عقدی از عقود مولده امانت كه بعد از آن امین از حدود اذن تجاوز نموده و در مقام تصاحب یا تلف یا فقدان یا استعمال بر آید - در جرم كلاه برداری منشاء تسلیم مال عملیات مزورانه ایست كه منتهی باغفال متحمل جرم میگردد .

از بیانات فوق وتوجه بمدلول ماده فوق الاشاره ارکان اساسی جرم خیانت در امانت معلوم میگردد .
بنظر نگارنده خیانت در امانت باید چهار عنصر را حائز باشد .

۱ - موضوع امانت منقول باشد .

۲ - شیئی مورد امانت بضرر مالك یا متصرف آن

تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال شده باشد
۳ - تسلیم مال بشخص امین بموجب عقدی از عقود مولد امانت .

۴ - سوء نیت .

اول - موضوع مال منقول باشد - باید موضوع امانت از جمله اموال یا اشیائی باشد كه ماده مربوطه بان اشاره کرده باشد .
بیماره اخیری موضوع خیانت در امانت باید منقول باشد و در مورد اموال غیر منقول خیانت در امانت قابل تصور نیست گر چه قانون مجازات عمومی در این خصوص ساكت است ولی در این مورد میتوان نظر مقنن را بجهت ذیل استنباط نمود چه اولاً مقنن اعطاء حكم را بمثال داده و امثله در ماده مربوطه ذكر کرده كه كلا ناظر باموال و اشیاء منقول بوده و با اموال غیر منقول قابل تطبیق نیست - ثانیاً مقصود از وضع احكام و مقررات راجع بسرقت و كلاه برداری و خیانت در امانت فقط برای حفظ وصیانت اموال منقول بوده است زیرا اموال مزبور نزدیكتر به ضیاع و تفریط میباشد تا اموال غیر منقول .

دیو الزعالی تمیز بموجب حكم شماره ۱۱۲۷ و ۱۲۵۸ صریحاً میگوید ماده ۲۴۱ از قانون مجازات عمومی فقط ناظر باموال منقول بوده و شامل اموال غیر منقول نمیشود .
دوم - شیئی مورد امانت بضرر مالك یا متصرف آن تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال شده باشد .

در مورد خیانت در امانت باید در اثر حصول یکی از شقوق چهارگانه فوق ضرر صورت خارجی پیدا كند .
بیماره اخیری در اثر ارتكاب فعل باید مالك یا متصرف معنوی متضرر شده باشد .

گارسون در فقره ۱۳ در كتاب خود میگوید هر تحقیق جرم خیانت در امانت ملازم با استفاده مركب ندارد بلکه صرف حصول ضرر پنهانی كافی برای تحقیق جرم خواهد بود .

مثلاً اینکه مورد امانت را آتش بزنند یا معدوم كند

هرچند استفاده از آن نکرده است معذک خائن در امانت
بشمار می‌رود.

سوم - تسلیم مال بشخص امین بموجب عقدی از
عقود مولد امانت.

وجود این عنصر مستلزم دو شرط است:

اول آنکه شیئی بمتهم تسلیم شده باشد.

دوم آنکه تسلیم بموجب عقدی از عقود مولد امانت
از قبیل اجاره، رهن و کالعه عاریه و دیهه واقع شود بنابراین قبل
از ارتکاب جرم شیئی بمتهم تسلیم شود. و بنا بر این بوده که
مورد تسلیم را بمصرف معینه رسانیده یا برای مالک نگاه
داشته و بعداً بمالک یا بکسی که از طرف او مجاز در قبض
بوده سترددارد.

در این مورد باید گفت مقصود از تسلیم این نیست
که شیئی از ید مالک بامین تسلیم شده باشد بلکه تسلیم
مال از طرف غیر مالک مجاز بوصف امانت باز هم کافی
برای تحقق تسلیم میباشد.

مثلاً و کیلی که مال الاجاره مستملات موکل خود را
بحساب او اخذ و بمصرف خارج از حدود اذن می‌رساند.
خائن در امانت محسوب میشود هر چند مال الاجاره از
طرف مالک یا موکل باو تسلیم نشده است.

بنظر نگارنده در این مورد اهلیت امین شرط حتمی
تحقق جرم میباشد زیرا صیغه یا مجوزیکه فاقد اهلیت
قانونی است صالح برای قبول در مقابل ایجاب تسلیم
کنند نمیباشد بنا بر این در صورتیکه مال بمصرف یا
مجوز بوصف امانت تسلیم شود و بعداً مرتکب یکی از
شقوق چهار گانه مذکور در ماده مربوطه شود فعل ارتکابی
خیانت در امانت نبوده بلکه صرفاً سرقت است.

چهارم سوء نیت - در این مورد باید تصاحب یا تلف یا
فقدان یا استعمال یا قصد تقلب بمنزل آمده باشد برای اینکه
سوء نیت متهم محرز شود بایستی نحوه تصرف او طوری
باشد که از حدود اذن تجاوز و با علم به آنکه جواز تصرف
او فقط مادی است مع الوصف تصرف معنوی نماید بنا بر
این جهل متصرف بحدود و کیفیات جواز تصرف در صورت
تجاوز رافع تعقیب و مسئولیت جزائی او خواهد بود.

مثلاً وارثی در مالیکه نزد مورث خود تودیع شده
است بتصور آنکه مال مورث بوده و جزء ترکه است معناً
و با قصد تملك تصرف نماید در این مورد از لحاظ جهل
مرتکب و فقدان سوء نیت جرم خیانت در امانت صورت
خارجی پیدا نمیکنند - بطوری کلی سوء نیت بمعنی اعم
برای تحقق جرم خیانت در امانت کافی نیست بلکه مرتکب
بایستی سوء نیت بمعنی اخص داشته باشد.

باین معنی که مرتکب باید قصد تملك و محروم نمودن
صاحب مال را از آن داشته باشد.

مثلاً مجرد تأخیر در مورد امانت در موعد مقرر
یا هنگام مطالبه از ناحیه امین در صورت عدم توجه وی
بمحروم نمودن مالک از مال خود کافی برای تحقق جرم
خیانت در امانت نخواهد بود بنابراین عجز متهم از جهت
رد مورد امانت ملازمه با وقوع جرم ندارد در این مورد
هر گاه ثابت شود که عدم امکان رد از ناحیه امین مستند
بمحدثه بوده که نمیتوان مربوط باو نمود در این صورت
جرم خیانت وجود خارجی پیدا نمیکنند.

و کیلی عمومی پارک هدایت مرکز

حسن بهزادی

.....

.....

.....